

اخبار و گزارشات کارگری 9 و 10 بهمن ماه 1399

- تجمع اعتراضی دستفروشان خیابان فردوسی سنندج مقابل استانداری کردستان
- ایجاد تفرقه بین بازنشستگان ، ترفند جدید آقای نوبخت!
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در حمایت از معلمان زندانی
- معدن آلباغ و حکومت از ابتدا تا امروز
- تجمعات اعتراضی مهاجران افغانستانی نسبت به مسدود شدن کارت‌های بانکی مقابل بانک ها
- تجمع اعتراضی جمعی از حواله داران دامای 7x نسبت به بی تعهدی یاران خودرو ارونند مقابل وزارت صنعت
- تصادف سرویس های رفت و آمد کارگران کارخانه های طلای زرشوران و آق‌دره تکاب 18 کشته و زخمی برجا گذاشت

*تجمع اعتراضی دستفروشان خیابان فردوسی سنندج مقابل استانداری کردستان

از ظهر روز چهارشنبه 8 بهمن، دستفروشان خیابان فردوسی سنندج برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت تصمیم مسئولان در اجرای شیوه طرح ساماندهی دستفروشان این مسیر دست به تجمع مقابل استانداری کردستان زدند.



دستفروشان حاضر در این تجمع با بیان اینکه خواستار افزایش ساعت فعالیت آنان در خیابان فردوسی هستند، به خبرنگار رسانه ای گفتند: دستفروشی از ساعت 18:30 به بعد برایمان سودی ندارد، اهالی

شهر قبل از آن ساعت خریدهای خود را انجام داده و به خانه‌هایشان رفته و ما نیز باید چشم‌انتظار مشتری بمانیم و با این شرایط توانایی تأمین هزینه‌های زندگی خود را نداریم.

دستفروشان خیابان فردوسی افزودند: مسئولان شهری به ما اجازه دهند که حداقل از ساعت 4 عصر فعالیت‌مان را آغاز کنیم.

*** ایجاد تفرقه بین بازنشستگان ، ترند جدید آقای نوبخت!**

بازنشستگان تامین اجتماعی در تجمعات اخیر با پلاکاردهایی که در دست داشتند خواهان رفع تبعیض بین خود و بازنشستگان کشوری شدند.

جناب نوبخت در پاسخ فرمودند : نماینده های آنها (منظور منصوبان خودشان به عنوان نماینده بازنشستگان کشوری) مدام با ایشان جلسه داشتند آقای نوبخت هم برای همسان سازی ۹۰ درصدی حقوق بازنشستگان کشوری با شاغلان ۱۰۰٪ بودجه همسان سازی را به آن اختصاص دادند . نماینده های بازنشستگان تامین اجتماعی هم با ایشان جلسه بگذارند تا....

آقای نوبخت یعنی بچه ای که گریه نکند شیرش نمی‌دهید ؟ !!! آیا شما نمی دانستید با خط فقر بالای ۱۰ میلیون تومان ، آنها نمی‌توانند با حداقل حقوق ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان شکم خود و خانواده‌شان را سیر کنند ؟؟؟ یا حتماً می بایست نماینده های انتصابی آنان هم خدمت برسند و به شما القابی مانند سردار همسان‌سازی و بدهند تا ذره‌ای از حقشان را با هزار منت پرداخت کنید که قرص نان ۳ هزار تومانی سر سفره خود ببرند و قدر دانتان باشند؟ !!!

پس از حدود ۵۰ بار تجمع که با افزودن قطره چکانی مبلغی به عنوان همسان سازی به حقوق بازنشستگان کشوری (البته آنها هم همچنان با حداقل حقوق یک سوم زیر خط فقر با مشکل نداری دست و پنجه نرم می‌کنند و حداقل حقوقشان فقط ۶۰۰۰۰۰ تومان از حداقل حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی بیشتر است) و با مضایقه آن از بازنشستگان تأمین اجتماعی ، آیا هدف این نبوده است که با ایجاد بددلی و تفرقه و دل چرکینی بین بازنشستگان این صندوق ها از یکپارچگی و پیوستن آنان به یکدیگر برای گرفتن حقشان جلوگیری کنید و با سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن ، هر چند وقت گروهی را بازی بدهید که به امید رسیدنشان به پای گروه دیگر حق همه را پایمال کنید؟ آیا پس از مدتی نوبت بازنشستگان کشوری نیست که اینبار آن ها را برای دویست سیصد هزار تومان اضافه تر به دنبال بازنشستگان تامین اجتماعی بدانید و وقت بخرید تا با شگرد من بدو آهو بدو و بازی گرگم به هوا ، بازنشستگان در چنگال نداری و فقر و تورم دنبال نخود سیاه بدونند و از پا دربیایند و شماها با حقوق های نجومی با فراغ بال خوش بگذرانید !؟

آقای نوبخت بازنشسته ها دیگر دستتان را خوانده اند ما را نه به شما و نه به ایادی منصوبتان امیدی نیست . بگویید مطالبات انباشته شده ماده ۱۲۵ ق م خ ک این همه سال از ۸۶ تاکنون و سایر مطالبات ما را به کدام چاه ویل فرستادید ؟؟

یادتان باشد که ما مطالبات خود را فراموش نکرده ایم و نخواهیم کرد و

تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم

گنجه ای از پیشکسوتان پارک شهر

***بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در حمایت از معلمان زندانی**

روز پنج شنبه 9 بهمن، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بیانیه ای بقرار زیر در حمایت از معلمان زندانی منتشر کرد:

مردم گرانقدر و مسئولان محترم کشور

معلمان، فرهنگ سازان این مرز و بوم، سالهاست، مطابق قانون اساسی با ایجاد تشکلهای صنفی در قالب کانونها و انجمنهای صنفی مستقل در استانها و شهرهای سراسر کشور خواستهها و اعتراضهای به حق خود را به قانونیترین شکل ممکن به گوش مسئولان کشور رسانده و می‌رسانند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که عصاره کانونهای صنفی فرهنگیان کشور است، با سابقه بیست ساله همواره خط مشی ثابت و استواری را در جهت اعتلای شأن و منزلت معلم، ارتقای فرهنگ و تربیت نسل آگاه، شجاع و بیدار پیموده است. اما در این مسیر متأسفانه گاهی شاهد برخوردهای فراقانونی در برخی نهادها با تشکلهای منتخب فرهنگیان بوده‌ایم که طبق قانون وظیفه دارند حامی حرکت‌های حق طلبانه مردم باشند. تشکلهایی که تنها به دنبال احقاق حق و اعتلای فرهنگ تضعیف شده ایران و ایرانی بوده و هستند.

اکنون که با تلاش هزاران دلسوز در جای جای ایران پرده‌ها بر افتاده و دست بسیاری از کسانی که با سوء استفاده از موقعیت‌های شغلی خود و با جوسازی علیه حق طلبان، فضا را برای احقاق حقوق اساسی ملت تنگ کرده و خود را صاحب انقلاب می‌دانستند و می‌دانند روشده و پرونده‌های متعددی برای سوء استفاده‌گران تشکیل گردیده و می‌گردد و با شناسایی تعدادی از اختلاسگران و حقوق بگیران نجومی و افشای توزیع نهادینه شده ناعادلانه ثروت ملی، حقانیت تمامی ادعاهای معلمان حق طلب و نیات خیرخواهانه آنها در حرکت‌های قانونی و حق طلبانه بر همگان ثابت شده و مشخص گردیده که تمامی این اقدامات صورت گرفته معلمان کشور در جهت تامین امنیت فرهنگی، اجتماعی و روانی بیشتر جامعه بوده و هست، انتظار داریم، در این شرایط بسیار حساس و بحرانی که بیش از هر زمانی در کشور به اتحاد و همدلی نیاز است، تمامی مسئولان در کلیه قوا با حمایت و پشتیبانی از خواسته‌های به حق فرهنگیان کشور و تلاش عاجل برای تحقق خواسته‌ها که اهم آنها:

۱- پایبندی به حقوق ملت در قانون اساسی کشور

۲- رفع تبعیض و برقراری عدالت آموزشی برای همه مردم

۳- اعتلای جایگاه معلم و تامین فضای مناسب برای فعالان اجتماعی،

می‌باشد به طرز شایسته‌ای قردادان زحمات نمایندگان واقعی معلمان یعنی فعالان صنفی فرهنگیان کشور باشند.

با توجه به ملی بودن و اهمیت جایگاه تعلیم و تربیت و مسئولیت حیاتی نهاد آموزش و پرورش در رشد فضایل انسانی که اصلی ترین آنها آزادی و عدالت طلبی و پاسداشت قانون می‌باشد تقاضای موکد داریم با پایبندی به منشور حقوق شهروندی و اصول قانون اساسی خصوصاً اصل‌های ۲۴ و ۲۷ و امر به معروف و نهی از منکر به عنوان حق عمومی مصرح در قانون اساسی، ضمن توقف کلیه احکام قضایی صادره برای نمایندگان معلمان کشور و آزادی بی‌قید و شرط فعالان صنفی دربند، معلمان گرانقدر و دلسوز آقایان محمدرضا رمضانزاده و اسماعیل عبدی، فضای مناسبی برای همدلی و اتحاد ملت ایران فراهم شود تا با مشارکت همه جانبه و پیوند علم و ایمان، قله‌های رفیع بهروزی و

پیروزی و کامیابی را فتح نماییم و با گام‌های مصمم و استوار، ایران جاویدان را سرافراز و سربلند سازیم.

*معدن آلبلاغ و حکومت از ابتدا تا امروز

در حکومت تزویر و دروغ با لاپوشانی حوادث ناشی از کار در این معدن پر خطر و در نبود امکانات ایمنی، دولت حاکمه تصمیم می‌گیرد به جای حل مساله که همانا ایجاد محیطی امن در پر حادثه‌ترین معدن کشور دست به پاک کردن صورت مساله با ایجاد رعب و وحشت در دل زحمتکشان برای عقب نشینی از فعالیت کاری خود و همچنین پوشاندن حوادث کارگری توسط مسئولان و بازوان رسانه‌ای خود دست بزند.

الف. رضایی

معدن آلبلاغ در فاصله بیست کیلومتری شمال شرقی شهرستان اسفراین که از توابع استان خراسان شمالی می‌باشد واقع شده است. این معدن سرب به صورت غیر رسمی و اندک از سال‌های 1394- 1395 فعالیت خود را با استخراج‌های پراکنده توسط محلی‌ها و حمل تا روستا‌های اطراف و نگهداری و فروش آن انجام می‌پذیرفت.

اما از سال 96 این معدن و استخراج بدون نظرات از آن مورد توجه خیل عظیم بیکاران آن استان و دلالت‌ها و کارخانه‌های نیازمند به این نوع از سنگ‌ها قرار گرفت. کارگران بیکار از جای جای استان برای استخراج سنگ سرب به این منطقه روانه شدند خانه‌های روستاییان همانند مهمان‌خانه از این کارگران پذیرایی می‌کردند و گروهی با ماشین‌ها و تراکتور کارگران را به نزدیکی معدن می‌بردند. کم‌کم چادرهای کارگران در کوهپایه‌های آلبلاغ علم شد و تجهیزات استخراج از بیل و کلنگ و گونی به دریل برقی به همراه موتور برق و قاطر و استر، الاغ، خر رسید. کارها به صورت تخصصی تقسیم شد. گروهی از کارگران استخراج می‌کردند و گروهی هم کولبر سنگ‌ها را تا پایین احشام، شغلی برای خود دسته‌پا نموده بودند. زنان روستایی غذا پخت می‌کردند و فرزندان آنان غذا‌ها را به کارگران می‌فروختند.

در ظاهر اقتصاد منطقه رو به رونق بود اما چند مشکل در این اوضاع گریبان کارگران را گرفته بود.

1/ دولت سرمایه‌داری توان دیدن؛ برداشت همه سود حاصل از این استخراج‌ها را توسط کارگران شاغل در منطقه نداشت. در این اثنا بعد از دستورات رئیس‌جمهور؛ مدیر کل محیط زیست آن استان با طرح این مساله که استخراجات باعث تخریب منطقه قرق شده است، خواستار پیگیری نهاد‌های قضایی و انتظامی برای متوقف کردن این برداشت‌ها شد. سپس استانداری وارد بازی شد و با عنوان محافظت از معادن و سرمایه‌های عمومی از نهاد‌های ذی‌ربط خواستار متوقف کردن این استخراجات شد. هلال احمر به دلیل نبود امکانات انتقال مصدومین هم همین درخواست‌ها را ارایه داد. سپس با دستور دادستان کل استان شورای تامین شهرستان اسفراین در جهت بستن آن معدن دست به فعالیت‌های مستمر با توقیف احشام و وسایل حمل و نقل و مصادره سنگ‌های استخراج شده و همچنین احضار و بازداشت چند تن از استخراج‌کنندگان تصمیم خود را برای حذف کارگران از این منابع طبیعی نشان دادند که البته هیچ‌یک از این اعمال باعث توقف استخراج از آن معدن نشد.

2/ بیشتر سود حاصل از استخراج شامل حال کسانی میشود که کمترین زحمت را در استخراج و انتقال آن داشته اند. دلایان همیشه در صحنه که بوی پول را از کیلومتر ها آن طرف تر هم استشمام میکنند وارد این کارزار شدند و محصول استخراج شده را به مقدار ناچیزی از معدن چیان میخریدند و با قاچاق آن به کارخانه ها سود عظم این تجارت را نصیب خود میکردند.

3/ نابسامانی های ایمنی و بهداشتی واقع در محدوده آلبلاغ به چنان معضلی در سال گذشته تبدیل شد که این معدن را به غیر ایمن ترین معدن سال 98 تبدیل کرد. تنها یازده کشته به دلیل حوادث حین کار در سال گذشته بخش کوچکی از چند ده حادثه ای است که در این معدن رخ داده است.

با دستور رییس جمهور در زمان حضور وی در آن استان قرار بر آن شد که شرکت امیدور از شرکت های تابع شستا در حوزه معدن، "متصدی راه اندازی معدنی با ظرفیت درخور توجه و با بکار گیری نیروهای بومی شود. با آنکه در درون این دستور تنها منافع دولتی مد نظر قرار گرفته است اما همین اتفاق هم در دو سال گذشته نیفتاده است. با آنکه رییس دولت میتواند دستور ایجاد تعاونی بدهد تا مردم همان منطقه از عواید حاصل از این منبع طبیعی بهره ببرند اما تصمیم گرفت که حق مردم منطقه را نادیده گرفته و دستور تملک معدن توسط شرکت های خصولتی را بدهد. حتی از عواید همین دستور هم فقط بستن و توقیف و سرکوب زحمتکشان منطقه شامل حال کارگران شد. آنهم با بهانه واهی آنکه "امیدور فقط با شرط تخلیه کامل منطقه از عوامل انسانی حاضر به حضور برای مطالعه معدن میباشد" و اتفاقات بعدی را در فوق توضیح داده ایم. که با وجود تمام اشکال تراشی ها برای کارگران این معدن موفق نبوده است.

اما امری که در این بین مغفول مانده است، در سال 1399 حوادث کارگری در این معدن به یکباره به صفر رسیده است. بر عکس سال 1398 که هر هفته لغایت دو هفته یکبار متاسفانه اخباری از حوادث حین کار در این معدن رخ میداد توسط هلال احمر و یا آتشنشانی و یا اورژانس اعلام میشد. به یکباره به نزدیک صفر حادثه در طول سال 1399 رسید. با وجود کارگران حاضر در منطقه و همچنین ادامه فعالیت معدن این امر شک برانگیز بوده است. به سراغ کارگران مشغول در آلبلاغ رفتیم و اوضاع را از زبان آنان جویا شدیم که آنان با تایید ادامه روند کار و همچنین مصدومیت های ناشی از کار، ما را متوجه دلیل نبود اخبار ناشی از حوادث کار که به دلیل سانسور اعلام حوادث توسط مسئولین ذی ربط و بایکوت خبری آن توسط رسانه های حکومتی بوده است کردند.

در حکومت تزویر و دروغ با لاپوشانی حوادث ناشی از کار در این معدن پر خطر و در نبود امکانات ایمنی، دولت حاکمه تصمیم میگیرد به جای حل مساله که همانا ایجاد محیطی امن در پر حادثه ترین معدن کشور دست به پاک کردن صورت مساله با ایجاد رعب و وحشت در دل زحمتکشان برای عقب نشینی از فعالیت کاری خود و همچنین پوشاندن حوادث کارگری توسط مسئولان و بازوان رسانه ای خود دست بزنند.

با اینهمه باید اعلام بداریم فعالیت در معدن آلبلاغ همچنان ادامه دارد و متاسفانه حوادث ناشی از کار هم در این معدن ادامه دار است منتها تنها چیزی که در این معدن پس از دستورات رئیس جمهور فرق کرده است اعلام و رسانه ای کردن حوادث کاری در این معدن میباشد.

***تجمعات اعتراضی مهاجران افغانستانی نسبت به مسدود شدن کارت های بانکی مقابل بانک ها**

روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه (8 و 9 بهمن)، جمعی از مهاجران افغانستانی برای اعتراض به مسدود شدن کارت‌های بانکی‌شان از روز دوشنبه 6 بهمن دست به تجمع مقابل شعب بانک‌های صادرات و تجارت در چند شهر از جمله مشهد و تهران زدند.



تجمع‌کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفتند: بانک بدون اطلاع قبلی، کارت بانکی ما را باطل کرده است بی آنکه از قبل هشدار داده باشد! دغدغه اصلی این گروه وضعیت امرار معاش بعد از باطل شدن کارت‌های بانکی‌شان است.

بنابه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 9 بهمن، بانک‌های صادرات و تجارت در راستای سیاست‌های مبارزه با پولشویی، مانع از تراکنش کارت‌هایی شده‌اند که اطلاعات صاحبان آن کارت‌ها نزد شعب کامل نیست.

آنطور که مسئولان بانکی می‌گویند: اطلاع‌رسانی در این خصوص از یک سال و نیم قبل آغاز شده بود و بانک‌ها به مشتریان اتباع خارجی هشدار داده بودند که سریعتر نسبت به اعلام کد اتباع خود نزد شعب بانکی اقدام کنند.

بعد از این اطلاع رسانی ها بیش از 80 درصد از مشتریان اتباع خارجی به شعب بانکی مراجعه کرده و کد اتباع خود را به بانک اعلام کرده‌اند ولی کارت بانکی 20 درصد باقی مانده که هنوز کد اتباع خود را به بانک اعلام نکرده‌اند در روز پنجشنبه غیرفعال شد.

بنابه همین گزارش، بانک های عامل یک ماه دیگر به این گروه از مشتریان بانکی فرصت داده‌اند تا کد اتباع خود را به بانک اعلام کنند و اگر بعد از این فرصت داده شده، اتباع خارجی کد اتباع خود را به بانک اعلام نکردند، کارت های بانکی آنها مجدداً غیرفعال خواهد شد.

***تجمع اعتراضی جمعی از حواله داران دامای X7 نسبت به بی تعهدی یاران خودرو اروند مقابل وزارت صنعت**

روزسه شنبه 7 بهمن، جمعی از حواله داران دامای X7 برای بنمایش گذاشتن اعتراضشان نسبت به بی تعهدی یاران خودرو اروند مقابل وزارت صنعت اجتماع کردند.

حواله داران دامای X7 حدود دویست نفر برآورد می‌شوند که همچنان تکلیف آن‌ها مشخص نیست.



بنابه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 10 بهمن، اسفند سال 1396 بود که زوتی دامای X7 به عنوان شاسی بلندی قدرتمند معرفی شد. مراسم معرفی این خودرو با حضور پررنگ سلبریتی‌ها و افراد مشهور همراه بود و شرکت عرضه کننده یعنی یاران خودرو اروند، تصمیم داشت تا با قدرت وارد بازار شود. با این وجود مشکلات تولید خودرو در کارخانه‌های اجاره‌ای و پلاک نشدن خودروهایی همچون دامای X7 و کوپا T210، سبب شده که حواله داران این خودروها متضرر شوند. از دامای X7 تنها نمونه‌های معدودی به صورت وارداتی عرضه شد و برنامه تولید این خودرو در ایران تاکنون ناکام بوده است.

***تصادف سرویس های رفت و آمد کارگران کارخانه های طلای زرشوران و آق‌دره تکاب 18 کشته وزخمی برجا گذاشت**

صبح روز جمعه 10 بهمن، بر اثر تصادف دو دستگاه مینی بوس حامل کارخانه های طلای زرشوران و آق دره تکاب، در 16 کیلومتری محور تکاب - تخت سلیمان حوالی روستای حسن آباد، یکی از رانندگان سرویس کشته و 17 کارگر مصدوم شدند.

ا بنابه گزارشات رسانه ای شده 10 نفر از مصدومان این حادثه پس از انتقال به بیمارستان شهدا به صورت سرپایی مداوا اما هفت نفر از کارگران به دلیل شدت جراحت جهت مداوا و بستری به بیمارستان شهرهای همجوار اعزام شدند.

akhbarkargari2468@gmail.com